

Designing a Context-Specific Model for Academic Coaching (AC) in Iranian Higher Education System¹

Somayeh Mahdi 

PhD in Higher Education Management, Educational Management Dept.,
Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.
E-mail: mahdi.somayeh@yahoo.com

Hassanreza Zeinabadi 

Corresponding Author:
Professor, Educational Management Dept., Faculty of Psychology and
Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.
E-mail: hzeinabadi@yahoo.com

Hamidreza Arasteh 

Professor, Educational Management Dept., Faculty of Psychology and
Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.
Email: arastehhr@yahoo.com

Hossein Abbasian 

Associate Professor, Educational Management Dept., Faculty of
Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.
Email: a_abbasianedu@yahoo.com

Article Type: Research

Abstract

Objective: The aim of this study was to design a context-specific model for academic coaching within the Iranian higher education system, based on scientific evidence and expert insights.

Method: A qualitative, multi-stage design was employed in two phases. In the first phase, a systematic review of relevant national and international literature was conducted following the PRISMA guidelines, and selected studies were analyzed using qualitative content analysis. In the second phase, in order to gather the data, semi-structured interviews were carried out with 22 experts, faculty members, and university students. The data were analyzed using qualitative analysis techniques.

Results: The study led to the development of a multidimensional and dynamic model for academic coaching, incorporating four core dimensions: *goals*, *content*, *processes*, and *outcomes*. The model includes components and indicators from individual-psychological, educational, research, professional, and socio-cultural domains, conceptualizing academic coaching as a developmental intervention aimed at supporting students' academic growth.

Conclusion: The implementation of this model has the potential to improve academic performance, enhance self-efficacy, reduce academic anxiety, increase satisfaction with the university experience, and improve student retention. Given the unique structural and cultural characteristics of Iranian higher education system, this model can be used as a strategic framework for designing, implementing, and institutionalizing academic coaching programs in universities, as well as for developing student support policies and programs.

Keywords: academic coaching, higher education, qualitative study, student support

¹ This article is derived from a doctoral dissertation entitled "Designing and Elaborating an Academic Coaching (Student Success Coaching) Pattern in the Iranian Higher Education System," conducted in the Department of Educational Management at Kharazmi University in 2024.

طراحی الگوی بومی دانشجویاری در نظام آموزش عالی ایران^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دانش آموخته دکتری مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mahdi.somayeh@yahoo.com

سمیه مهدی 

نویسنده مسئول: استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. hzeinabadi@gmail.com

حسن رضا زین آبادی*



استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. arastehhr@yahoo.com

حمیدرضا آراسته 

دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. a_abbasianedu@yahoo.com

حسین عباسیان 

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، طراحی الگوی بومی کوچینگ آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران با اتکا به شواهد علمی و دیدگاه‌های خبرگان است.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی چندمرحله‌ای در دو فاز انجام شد. در فاز نخست، مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش مبتنی بر دستورالعمل PRISMA انجام شد و منابع علمی منتخب داخلی و خارجی در حوزه کوچینگ آکادمیک، مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. در فاز دوم، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از خبرگان، اعضای هیئت علمی و دانشجویان گردآوری و با استفاده از تحلیل کیفی، کدگذاری و تفسیر شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش به استخراج الگویی چندبعدی، چندسطحی و پویا از کوچینگ آکادمیک منجر شد که شامل چهار بعد اصلی اهداف، محتوا، فرآیندها و پیامدها است. این الگو با دربرگرفتن مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با ابعاد فردی-روان‌شناختی، آموزشی، پژوهشی، حرفه‌ای و فرهنگی-اجتماعی، نقش کوچینگ آکادمیک را به‌عنوان یک مداخله حمایتی-توسعه‌ای در آموزش عالی تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: اجرای اثربخش این الگو می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش خودکارآمدی، کاهش اضطراب تحصیلی، ارتقای رضایت از تجربه دانشگاهی و افزایش ماندگاری دانشجویان منجر شود. الگوی پیشنهادی، با توجه به ویژگی‌های ساختاری و فرهنگی نظام آموزش عالی ایران، می‌تواند به‌عنوان چارچوبی راهبردی برای طراحی، استقرار و نهادینه‌سازی برنامه‌های کوچینگ آکادمیک در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد و مبنایی برای توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی دانشجویی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: کوچینگ آکادمیک، آموزش عالی، پژوهش کیفی، حمایت از دانشجویان

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «طراحی و تبیین مدل کوچینگ آکادمیک (دانشجویاری) در نظام آموزش عالی ایران» است که در گروه مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزش عالی در سراسر جهان تحت تأثیر تحولات شتابان علمی، فناوری و اقتصادی با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه شده‌اند. گسترش اقتصاد دانش‌بنیان، افزایش تنوع جمعیت دانشجویی، تغییر انتظارات بازار کار و فشارهای ناشی از رقابت جهانی، دانشگاه‌ها را ناگزیر ساخته است تا فراتر از کارکردهای سنتی آموزش و پژوهش، به توسعه نظام‌های حمایتی و پشتیبانی مؤثر برای دانشجویان توجه ویژه‌ای داشته باشند (Thomas., Kift, & Shah, 2021; Cybulski, 2013; Amini, Afrassiabi, Esmaeilishad, 2024). تجربه دانشگاهی دانشجویان به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی موفقیت آموزش عالی، بیش از پیش مورد توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار گرفته است (HEA, 2015).

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که صرف دسترسی به آموزش عالی، تضمین‌کننده موفقیت تحصیلی، ماندگاری دانشجویان و آمادگی آنان برای ورود به بازار کار نیست. تعامل معنادار دانشجویان با اعضای دانشگاه، به‌ویژه خارج از کلاس درس، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی موفقیت تحصیلی، رضایت دانشگاهی و تداوم تحصیل دارد (Dingel, M., & Puntti, 2023; Robinson, 2022). با این حال، بسیاری از دانشگاه‌ها علی‌رغم ارائه خدمات متنوع حمایتی، در پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای پیچیده و متغیر دانشجویان با محدودیت‌هایی مواجه‌اند (Hoyt, 2023; Kivunja, 2016).

در پاسخ به این چالش‌ها، طی دو دهه اخیر رویکردهای نوینی در حوزه حمایت دانشجویی شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کوچینگ آکادمیک است. کوچینگ آکادمیک به‌عنوان یک مداخله آموزشی-توسعه‌ای، بر ارتقای خودآگاهی، خودتنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانشجویان در فرآیند یادگیری تمرکز دارد و آن‌ها را در دستیابی به اهداف تحصیلی، فردی و حرفه‌ای یاری می‌دهد (Lim, Patel & Shahdadduri, 2015; Hussain, 2020; Martinez, 2024). این رویکرد با ایجاد گفت‌وگویی هدفمند و تأمل‌محور میان دانشجو و کوچ، شرایطی را فراهم می‌سازد که دانشجویان بتوانند تجربه یادگیری خود را تحلیل کرده و راهبردهای مؤثرتری برای پیشرفت تحصیلی اتخاذ کنند (Rodríguez Fuentes et al., 2023).

برخلاف مشاوره، تدریس خصوصی و منتورینگ که هر یک دارای اهداف و سازوکارهای خاص خود هستند، کوچینگ آکادمیک فرآیندی دانشجو‌محور، آینده‌نگر و غیرارزیابانه است که بر فعال‌سازی ظرفیت‌های بالقوه دانشجو تأکید دارد. (Lovell, 2018; Robinson, 2015). در حالی که مشاوره عمدتاً به حل مسائل روان‌شناختی یا اجتماعی می‌پردازد و منتورینگ بیشتر مبتنی بر انتقال تجربه و راهنمایی است، کوچینگ آکادمیک بر بازخورد مستمر، خودانعکاسی و بهبود عملکرد قابل اندازه‌گیری تمرکز دارد (Williams, 2024; Mandouit & Hattie, 2023). مطالعات نشان می‌دهد این رویکرد می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش خودکارآمدی، کاهش اضطراب تحصیلی و ارتقای رضایت از تجربه دانشگاهی منجر شود (Oreopoulos & Petronijevic, 2018; Southern et al., 2022; Campbell & Mogashana, 2025).

در نظام آموزش عالی ایران، علی‌رغم توسعه مراکز مشاوره دانشجویی و تشکل‌های علمی-دانشجویی، تمرکز اصلی این خدمات غالباً بر ابعاد روان‌شناختی یا فعالیت‌های فوق‌برنامه معطوف بوده و مسائل مرتبط با یادگیری، پیشرفت تحصیلی، مهارت‌افزایی و آمادگی شغلی دانشجویان کمتر به‌صورت نظام‌مند مورد توجه قرار گرفته است (Mousavi, Riahi, & Kavousian, 2016; Hosseini, Ghaderi & Esfandiyari, 2016). از سوی دیگر، چالش‌هایی نظیر افت عملکرد تحصیلی، افزایش ماندگاری، بی‌انگیزگی دانشجویان و شکاف میان آموزش دانشگاهی و نیازهای بازار کار، ضرورت بازنگری در الگوهای حمایتی موجود را دوچندان کرده است (Adrian, 2017; Alizadeh & Mazlom, 2024).

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد اگرچه در سطح بین‌المللی، مدل‌ها و چارچوب‌های متنوعی برای کوچینگ آکادمیک ارائه شده است، اما این الگوها اغلب متأثر از زمینه‌های فرهنگی، نهادی و سیاستی خاص کشورهای مبدأ هستند و قابلیت تعمیم مستقیم به سایر نظام‌های آموزش عالی را ندارند (Robinson, 2015). در ایران نیز مطالعات جامع و مبتنی بر شواهد کیفی که به طراحی یک الگوی بومی کوچینگ آکادمیک متناسب با ویژگی‌های نظام آموزش عالی کشور بپردازد، محدود است.

بر این اساس، ضرورت طراحی الگویی بومی، نظام‌مند و مبتنی بر شواهد علمی برای کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی ایران آشکار می‌شود؛ الگویی که بتواند ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانشجویان، به ارتقای کیفیت تجربه دانشگاهی، افزایش ماندگاری و بهبود پیامدهای تحصیلی و حرفه‌ای آنان کمک کند. پژوهش حاضر در همین راستا و با اتکا بر تلفیق شواهد حاصل از ادبیات پژوهش و دیدگاه خبرگان، به طراحی الگوی کوچینگ آکادمیک متناسب با زمینه‌های فرهنگی و ساختاری آموزش عالی ایران می‌پردازد.

مرور ادبیات نشان می‌دهد اگرچه کوچینگ آکادمیک در دو دهه اخیر به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین حمایت دانشجویی در آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است، اغلب مطالعات موجود یا بر پیامدهای محدود فردی و تحصیلی تمرکز داشته‌اند یا الگوهایی ارائه کرده‌اند که وابسته به زمینه‌های نهادی و فرهنگی خاص نظام‌های آموزش عالی غربی هستند (Robinson, 2015; Lovell, 2018; Mahdi & Zeinabadi, 2025). از سوی دیگر، پژوهش‌های اندکی به طراحی یک الگوی جامع، چندبعدی و مبتنی بر شواهد کیفی پرداخته‌اند که به‌صورت هم‌زمان ابعاد اهداف، محتوا، فرایندها و پیامدهای کوچینگ آکادمیک را پوشش دهد (Grant, 2011; Martinez, 2015). این خلأ در نظام آموزش عالی ایران برجسته‌تر است؛ جایی که علی‌رغم وجود چالش‌هایی نظیر افت عملکرد تحصیلی، افزایش ماندگاری دانشجویان و ناهماهنگی میان آموزش دانشگاهی و نیازهای بازار کار، چارچوبی بومی و نظام‌مند برای استقرار کوچینگ آکادمیک ارائه نشده است (Adrian, 2017). پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد چندروشی کیفی و تلفیق شواهد حاصل از مرور سیستماتیک ادبیات و مصاحبه با خبرگان آموزش عالی، این شکاف را هدف قرار داده و با ارائه یک الگوی بومی، چندسطحی و پویا از کوچینگ آکادمیک، سهمی نظری و کاربردی در توسعه ادبیات آموزش عالی و طراحی برنامه‌های حمایتی دانشجویی در دانشگاه‌های ایران ایفا می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تبیین الگوی بومی کوچینگ آکادمیک (دانشجویاری) در نظام آموزش عالی ایران، با رویکرد کیفی چندروشی انجام شد. این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری-برساختی و با رویکرد استقرایی طراحی شده است. انتخاب روش کیفی چندمرحله‌ای به پژوهشگر این امکان را داد تا پدیده کوچینگ آکادمیک را هم‌زمان از منظر نظری (ادبیات پژوهش) و تجربی (دیدگاه ذی‌نفعان اصلی) بررسی کرده و با تلفیق این دو منبع داده، به الگویی جامع و بومی دست یابد. فرآیند پژوهش در دو فاز متوالی اما مکمل اجرا شد. در فاز نخست، از مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش برای استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها، ساختارها و فرایندهای رایج کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی استفاده شد. در فاز دوم، به‌منظور بومی‌سازی و تکمیل یافته‌های نظری و درک عمیق تجربه‌ها و انتظارات ذی‌نفعان، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، اعضای هیأت علمی و دانشجویان انجام گرفت.

فاز اول: مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش

مرور سیستماتیک با هدف شناسایی نظام‌مند الگوها، رویکردها و مؤلفه‌های کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی انجام شد. این فاز مطابق دستورالعمل‌های معتبر مرور نظام‌مند و با تبعیت از اصول PRISMA اجرا گردید تا شفافیت، دقت و قابلیت بازتولیدپذیری پژوهش تضمین شود.

طرح سؤال پژوهش و چارچوب مفهومی مرور سیستماتیک

به‌منظور تدوین یک مرور سیستماتیک منسجم و هدفمند، در این پژوهش از چارچوب PICO به‌عنوان ابزار صورت‌بندی سؤال پژوهش استفاده شد. چارچوب PICO با شفاف‌سازی مؤلفه‌های اصلی مسئله پژوهش، دامنه جستجو را محدود کرده و از پراکندگی مفهومی در فرآیند مرور سیستماتیک جلوگیری می‌کند (Liberati et al., 2009). این چارچوب به‌طور گسترده در مطالعات مرور نظام‌مند برای تضمین دقت، جامعیت و قابلیت بازتولیدپذیری به‌کار گرفته می‌شود.

جدول ۱. چارچوب PICO پژوهش

مؤلفه	توصیف
موضوع (Topic)	کوچینگ آکادمیک
جامعه (Population)	دانشجویان
مداخله (Intervention)	کوچینگ آکادمیک
مقایسه (Comparison)	برنامه‌های کوچینگ آکادمیک در دانشگاه‌های مختلف
پیامدها (Outcomes)	موفقیت دانشجویان

بر اساس این چارچوب، سؤال اصلی پژوهش و مجموعه‌ای از سؤالات فرعی استخراج شد که به‌عنوان مبنای طراحی پروتکل مرور سیستماتیک و همچنین تدوین راهنمای مصاحبه در فاز میدانی مورد استفاده قرار گرفتند.

سؤالات پژوهش

جدول ۲. سؤالات پژوهش

نوع سؤال	متن سؤال
سؤال اصلی	الگوی مناسب کوچینگ آکادمیک (دانشجویاری) در نظام آموزش عالی ایران کدام است؟
سؤالات فرعی	۱. رویکردها و الگوهای رایج کوچینگ آکادمیک در نظام‌های دانشگاهی کدام‌اند؟
	۲. ابعاد، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تعیین‌کننده کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی ایران کدام‌اند؟
	۳. برنامه کوچینگ آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
	۴. مشارکت‌کنندگان اصلی در برنامه کوچینگ آکادمیک چه کسانی هستند؟
	۵. کوچینگ آکادمیک با چه ساختار، شیوه و فرآیندی اجرا می‌شود؟
	۶. محتوای برنامه کوچینگ آکادمیک چیست؟
	۷. کارکردها و پیامدهای کوچینگ آکادمیک چگونه تبیین می‌شود؟
	۸. چالش‌های پیاده‌سازی کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی ایران کدام‌اند؟

ارزیابی کیفیت سؤال پژوهش

پیش از اجرای جستجوی منابع، کیفیت سؤال پژوهش از نظر مرتبط بودن، بدیع بودن و امکان‌پذیری اجرایی مورد ارزیابی قرار گرفت. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که کوچینگ آکادمیک در پاسخ به چالش‌هایی نظیر ماندگاری دانشجویان، افت تحصیلی و ضعف در یکپارچگی تحصیلی-اجتماعی توسعه یافته است. مطالعات متعدد حاکی از آن است که برنامه‌های کوچینگ آکادمیک می‌توانند موجب بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش حمایت ادراک‌شده، توسعه خودآگاهی و ارتقای مهارت‌هایی نظیر مدیریت زمان و راهبردهای مطالعه شوند (Richman et al., 2014; Prevatt & Yelland, 2015).

همچنین، Habley, Bloom & Robbins (۲۰۱۲) پیامدهای کوچینگ را در سه سطح شامل پیامدهای تحصیلی قابل سنجش، انسجام تحصیلی-اجتماعی و رشد فردی و دانشجویی طبقه‌بندی کرده‌اند. با وجود این شواهد، بررسی ادبیات نشان داد که در نظام آموزش عالی ایران، کوچینگ آکادمیک هنوز به‌عنوان یک نقش و برنامه حمایتی مستقل به‌روشنی تعریف نشده و الگوی بومی و صریحی برای آن ارائه نشده است. از این رو، سؤال پژوهش حاضر از نظر نظری و کاربردی واجد اهمیت و بدیع است.

توسعه پروتکل مرور سیستماتیک

برای اجرای دقیق و نظام‌مند مرور سیستماتیک، یک پروتکل پژوهشی از پیش تعریف‌شده تدوین شد. این پروتکل شامل مراحل جستجو، غربالگری، ارزیابی کیفیت، استخراج داده‌ها و تحلیل بود و نقش مهمی در افزایش شفافیت روش‌شناختی و کاهش سوگیری‌های فردی ایفا کرد.

انتخاب منابع بر اساس معیارهای ورود و خروج از پیش تعیین‌شده صورت گرفت؛ به‌گونه‌ای که تنها مطالعات مرتبط با کوچینگ آکادمیک در سطح آموزش عالی، با روش‌های کیفی، کمی یا آمیخته و دارای دسترسی به متن کامل وارد تحلیل شدند. پس از طی مراحل غربالگری چندمرحله‌ای و حذف منابع تکراری و غیرمرتبط، در نهایت ۹۲ مطالعه علمی واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شد.

جدول ۳. معیارهای ورود و خروج اولیه و ثانویه مطالعات در مرور سیستماتیک

سطح غربالگری	معیار	ورود به مطالعه	خروج از مطالعه
ورود و خروج اولیه	زبان انتشار	انگلیسی	غیرانگلیسی
	بازه زمانی انتشار	۲۰۰۱ تا ۲۰۲۴	پیش از ۲۰۰۱
	نوع منبع	مقالات ژورنال‌های معتبر علمی، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های منتشرشده، گزارش‌های پژوهشی معتبر	کتاب‌ها، فصول کتاب، مقالات همایشی، مجموعه‌مقالات
ورود و خروج ثانویه	ارتباط موضوعی	مرتبط با کوچینگ آکادمیک (دانشجویاری)	غیرمرتبط با کوچینگ آکادمیک
	زمینه پژوهش	آموزش عالی	کوچینگ سازمانی، ورزشی، معلمان و مربیان
	سطح تحصیلی	دانشجویان آموزش عالی	آموزش ابتدایی و متوسطه
	طرح پژوهش	مطالعات کمی، کیفی و آمیخته	—
	دسترسی به متن کامل	متن کامل در دسترس	عدم دسترسی به متن کامل
	حوزه کاربرد	کوچینگ آکادمیک دانشجویی	کوچینگ اساتید، کارکنان یا حوزه‌های غیرآموزش عالی

راهبرد جستجو و انتخاب مطالعات

به‌منظور اجرای مرور سیستماتیک، ابتدا واژگان کلیدی مرتبط با کوچینگ آکادمیک و آموزش عالی شناسایی شد. بر اساس اهداف پژوهش و ادبیات پیشین، واژگان در دو خوشه مفهومی سامان‌دهی و یک عبارت جستجوی بولی (رشته جستجو)^۱ تدوین گردید که در عنوان، چکیده و کلمات کلیدی اعمال شد. جستجو در پایگاه‌های Scopus، Web of Science و ProQuest انجام گرفت که به دلیل پوشش گسترده پژوهش‌های آموزش عالی انتخاب شدند.

منابع بازبازی‌شده به نرم‌افزار مدیریت منابع وارد و موارد تکراری حذف شد. فرآیند غربالگری در چند مرحله و توسط دو ارزیاب مستقل انجام گرفت. ابتدا معیارهای عمومی شامل زبان انگلیسی، بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۴ و نوع منبع اعمال شد. سپس عناوین و چکیده‌ها از نظر ارتباط موضوعی با کوچینگ آکادمیک دانشجویی بررسی گردید. در مرحله نهایی، متن کامل مطالعات منتخب بر اساس معیارهای روش‌شناختی

¹ Search String: TITLE-ABS-KEY (("academic coaching" OR "student coaching" OR "student success coaching" OR "student academic coaching" OR "success coaching" OR "coaching in education" OR "educational coaching" OR "college student coaching" OR "coaching in higher education" OR "coaching for academic success" OR "college success coaching" OR "academic coach*" OR "coaching student*") AND ("higher education" OR "tertiary education" OR "University students" OR "post-secondary education" OR "postgraduate student" OR "university student" OR "undergraduate student" OR "graduate education" OR college))

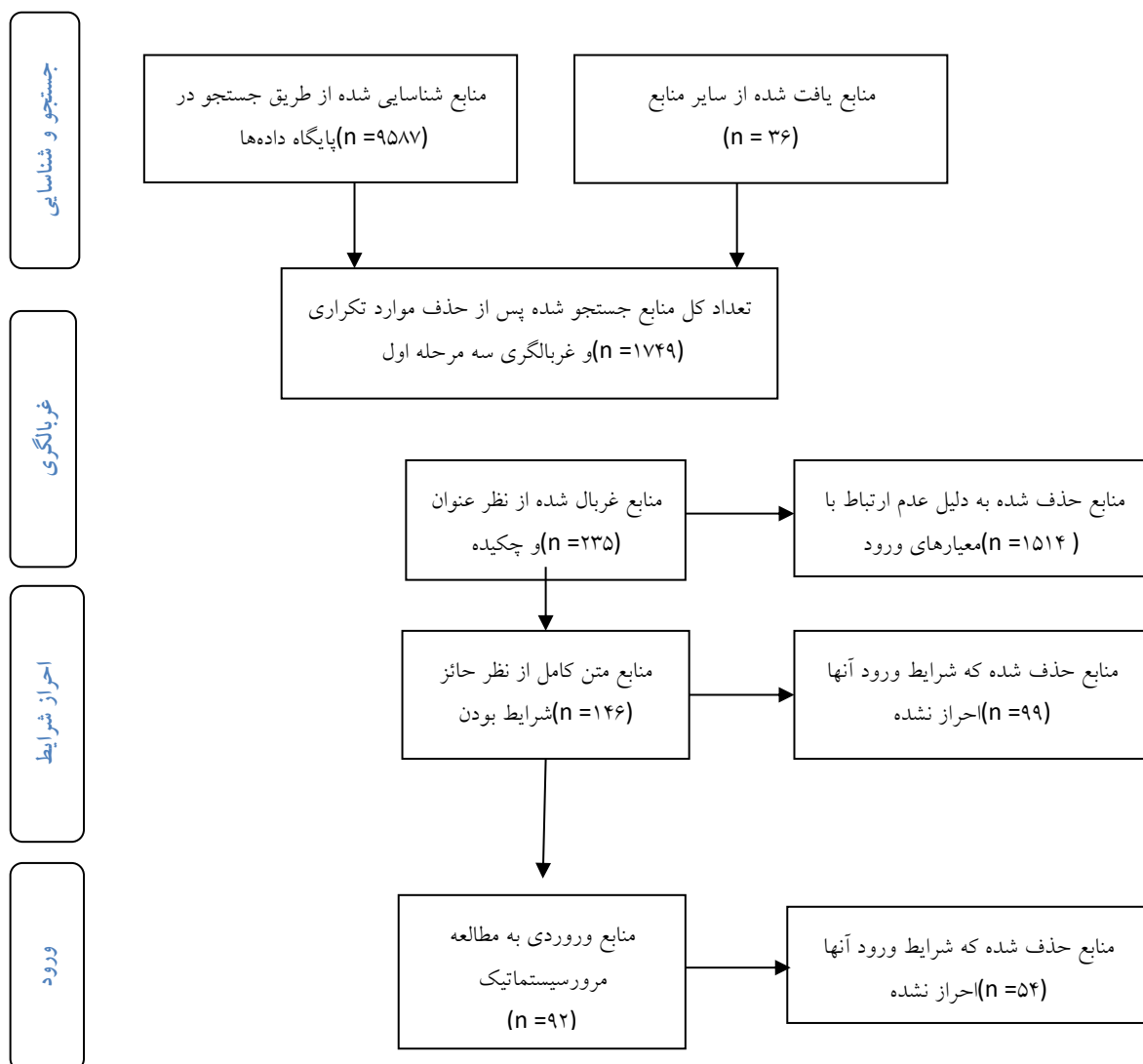
و محتوایی ارزیابی شد. از میان ۹۵۸۷ منبع اولیه، پس از طی مراحل غربالگری و ارزیابی، ۹۲ مطالعه علمی واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شد. این فرآیند مطابق با دستورالعمل PRISMA مستندسازی گردید.

جدول ۴. پایگاه‌های داده و نتایج جستجو

پایگاه داده	جستجو	تعداد منابع	تعداد منابع بعد از غربالگری معیار اول	تعداد منابع بعد از غربالگری معیار دوم	تعداد منابع بعد از غربالگری معیار سوم
Scopus	TITLE-ABS-KEY	۱۰۵۷	۱۰۳۴	۱۰۳۴	۹۲۳
Web of Science	TS	۳۸	۳۶	۳۰	۳۰
ProQuest	TITLE-ABS-KEY	۸۴۹۲	۸۴۲۰	۶۰۲۲	۸۴۱
جمع		۹۵۸۷	۹۴۹۰	۷۰۸۶	۱۷۴۹

ارزیابی کیفیت مطالعات: به‌منظور اطمینان از اعتبار یافته‌های مرور سیستماتیک، کیفیت روش‌شناختی مطالعات منتخب پیش از ورود به مرحله تحلیل مورد ارزیابی قرار گرفت. برای این منظور از چک‌لیست مهارت‌های ارزیابی انتقادی (CASP) استفاده شد که یکی از ابزارهای معتبر در ارزیابی کیفیت مطالعات در مرورهای نظام‌مند است (Critical Appraisal Skills Programme, 2018). این چک‌لیست شامل ۱۰ شاخص در سه حوزه اصلی اعتبار روش‌شناختی پژوهش، کیفیت تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌ها، و ارزش و قابلیت کاربرد نتایج است. در این پژوهش برای هر شاخص امتیازی در مقیاس سه‌درجه‌ای (۱ = بله، ۰.۵ = تاحدی، ۰ = خیر) در نظر گرفته شد؛ بنابراین امتیاز کل هر مطالعه بین صفر تا ۱۰ متغیر بود. مطالعاتی که حداقل ۶ امتیاز از ۱۰ را کسب کردند، به‌عنوان مطالعات دارای کیفیت قابل قبول در تحلیل نهایی وارد شدند. ارزیابی کیفیت توسط دو ارزیاب مستقل انجام شد و اختلاف‌نظرها از طریق بحث و توافق نهایی برطرف گردید. از میان ۱۴۶ مطالعه ای که مرحله غربالگری را پشت سر گذاشته بودند، ۹۲ مطالعه دارای کیفیت روش‌شناختی مناسب تشخیص داده شد و در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

تحلیل داده‌های این فاز با استفاده از تحلیل محتوای استقرایی و به‌کارگیری کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام گرفت. واحد تحلیل، «مفهوم» بود و کدها به‌صورت مستقیم از متن منابع (کدهای زنده) یا از طریق تجمیع مفاهیم مشابه استخراج شدند. این تحلیل منجر به شناسایی مقولات و مؤلفه‌های کلیدی کوچینگ آکادمیک شد که مبنای طراحی چارچوب مفهومی اولیه پژوهش قرار گرفت.



نمودار ۱. مراحل انتخاب و ورود منابع به مرورسیستماتیک کوچینگ دانشجویاری

فاز دوم: مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته

در فاز دوم پژوهش، به منظور تکمیل و بومی‌سازی یافته‌های حاصل از مرور سیستماتیک، داده‌های میدانی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری شد. جامعه پژوهش شامل خبرگان حوزه آموزش عالی، مشاوره و کوچینگ، مدیران گروه‌های آموزشی و اعضای هیأت علمی، و همچنین دانشجویان مقاطع کارشناسی (سال دوم به بعد)، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده انجام شد؛ به گونه‌ای که خبرگان و اعضای هیأت علمی واجد مدرک دکتری در رشته‌های مرتبط علوم انسانی (از جمله آموزش عالی، علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و جامعه‌شناسی)، دارای حداقل پنج سال سابقه تدریس یا تجربه مدیریتی دانشگاهی، آشنا با مباحث مشاوره و کوچینگ (از جمله از طریق تولید آثار علمی در این حوزه) و برخوردار از تمایل و توانایی بیان و تحلیل بودند. دانشجویان نیز از میان دانشجویان سال دوم کارشناسی به بعد و کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم انسانی، بر اساس دسترس‌پذیری، تجربه تحصیل در دانشگاه و تمایل به مشارکت در پژوهش انتخاب شدند.

نمونه‌گیری در این فاز به صورت هدفمند و گلوله‌برفی و بر مبنای اصل اشباع نظری انجام گرفت. مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا مجازی و با مدت زمانی بین ۴۵ تا ۱۲۰ دقیقه اجرا شد. پیش از انجام مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان اخذ و محرمانگی داده‌ها تضمین گردید. کلیه مصاحبه‌ها ضبط، به صورت کلمه‌به‌کلمه آوانگاری و برای تحلیل آماده‌سازی شدند.

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل محتوای استقرایی و از طریق کدگذاری باز و محوری انجام شد. در کدگذاری باز، واحدهای معنایی شناسایی و مفاهیم اولیه استخراج گردید و در کدگذاری محوری، مفاهیم مرتبط در قالب مقولات انتزاعی‌تر سازمان‌دهی شد. این فرآیند تحلیلی امکان شناسایی مؤلفه‌های بومی، الزامات اجرایی و چالش‌های پیاده‌سازی کوچینگ آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران را فراهم ساخت.

برای تضمین کیفیت و قابلیت اعتماد یافته‌ها در این پژوهش کیفی، از معیارهای اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد. اعتبارپذیری از طریق درگیری طولانی مدت پژوهشگر با داده‌ها، بازیابی توسط همکاران و مشارکت‌کنندگان و مثلث‌سازی داده‌ای و روش‌شناختی تأمین گردید. انتقال‌پذیری با ارائه توصیف غنی از زمینه و مشارکت‌کنندگان پژوهش تقویت شد. قابلیت اطمینان و تأییدپذیری از طریق مستندسازی نظام‌مند فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها و حسابرسی پژوهشی حاصل شد.

همچنین، برای بررسی پایایی کدگذاری، سه مصاحبه به صورت تصادفی دوبار کدگذاری و ضریب هولستی محاسبه شد که نتایج (۰.۸۷ تا ۰.۹۴) نشان‌دهنده توافق بالا و قابلیت اعتماد مناسب تحلیل کیفی است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از مرور سیستماتیک ادبیات

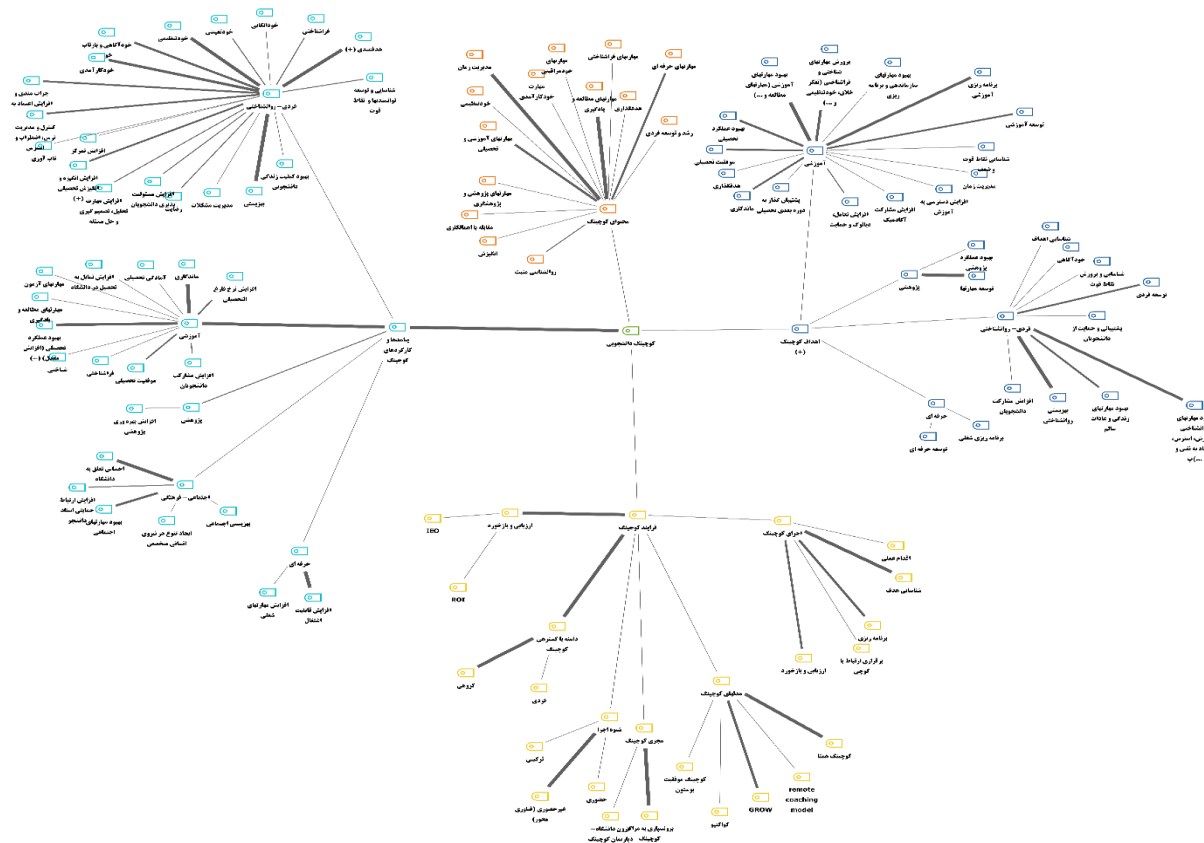
نتایج تحلیل کیفی مرور سیستماتیک ادبیات، مبتنی بر بررسی ۹۲ مطالعه منتخب، نشان داد که الگوی کوچینگ آکادمیک در ادبیات بین‌المللی دارای ساختاری چندبعدی، جامع و یکپارچه است. در این فاز، در مجموع ۱۲۴۳ واحد معنایی از متون استخراج شد که پس از پالایش و ادغام مفهومی، به ۱۱۸ کد باز تقلیل یافت. این کدها در فرآیند کدگذاری محوری در قالب ۱۸ مؤلفه اصلی و ۴ زیرمؤلفه سازمان‌دهی شدند و نهایتاً در ۴ بعد اصلی الگوی کوچینگ آکادمیک قرار گرفتند. مجموع شاخص‌های مفهومی استخراج‌شده از این فاز، ۱۰۰ شاخص را شامل می‌شود. بر اساس این تحلیل، چهار بعد اصلی شناسایی‌شده شامل اهداف کوچینگ، فرآیند کوچینگ، محتوای کوچینگ و پیامدهای کوچینگ است.

در بعد **اهداف کوچینگ**، تمرکز اصلی ادبیات بر رشد فردی-روانشناختی، موفقیت تحصیلی، توسعه مهارت‌های یادگیری، ارتقای عملکرد پژوهشی و آمادگی حرفه‌ای دانشجویان است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که کوچینگ آکادمیک به‌طور هم‌زمان به بهزیستی روانی، افزایش انگیزش و خودکارآمدی، بهبود مهارت‌های شناختی و فراشناختی و تقویت مشارکت آکادمیک توجه دارد.

در بعد **فرآیند کوچینگ**، الگوهای استخراج‌شده بر برقراری ارتباط اثربخش میان کوچ و کوچی، هدف‌گذاری شفاف، برنامه‌ریزی مبتنی بر نیاز، اقدام عملی و ارزیابی مستمر تأکید دارند. همچنین تنوع در شیوه‌های اجرا (حضوری، غیرحضوری و ترکیبی)، سطوح مداخله (فردی و گروهی) و مدل‌های مختلف کوچینگ از ویژگی‌های برجسته این بعد به شمار می‌آید.

بعد **محتوای کوچینگ** در ادبیات شامل مهارت‌های فردی و روانشناختی، مهارت‌های آموزشی و یادگیری، مهارت‌های پژوهشی و مهارت‌های حرفه‌ای است که با هدف توانمندسازی دانشجویان برای مدیریت مسیر تحصیلی و حرفه‌ای طراحی شده‌اند.

در بعد پیامدها، یافته‌های مرور سیستماتیک بر بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش ماندگاری و نرخ فارغ‌التحصیلی، ارتقای بهره‌وری پژوهشی، تقویت تعاملات دانشگاهی و افزایش قابلیت اشتغال دانشجویان دلالت دارد. به‌طور کلی، این فاز نشان می‌دهد که کوچینگ آکادمیک در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک مداخله راهبردی مؤثر در آموزش عالی شناخته می‌شود.



نمودار ۲. نمودار درختی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی کوچینگ آکادمیک حاصل از تحلیل مرور سیستماتیک



نمودار ۴. نمودار ابری برای نمایش گرافیکی کدهای اولیه حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس فراوانی



نمودار ۳. نمودار ابری برای نمایش گرافیکی کدهای اولیه حاصل از تحلیل مرورسیستماتیک بر اساس فراوانی یافته‌های حاصل از مصاحبه با اساتید و دانشجویان

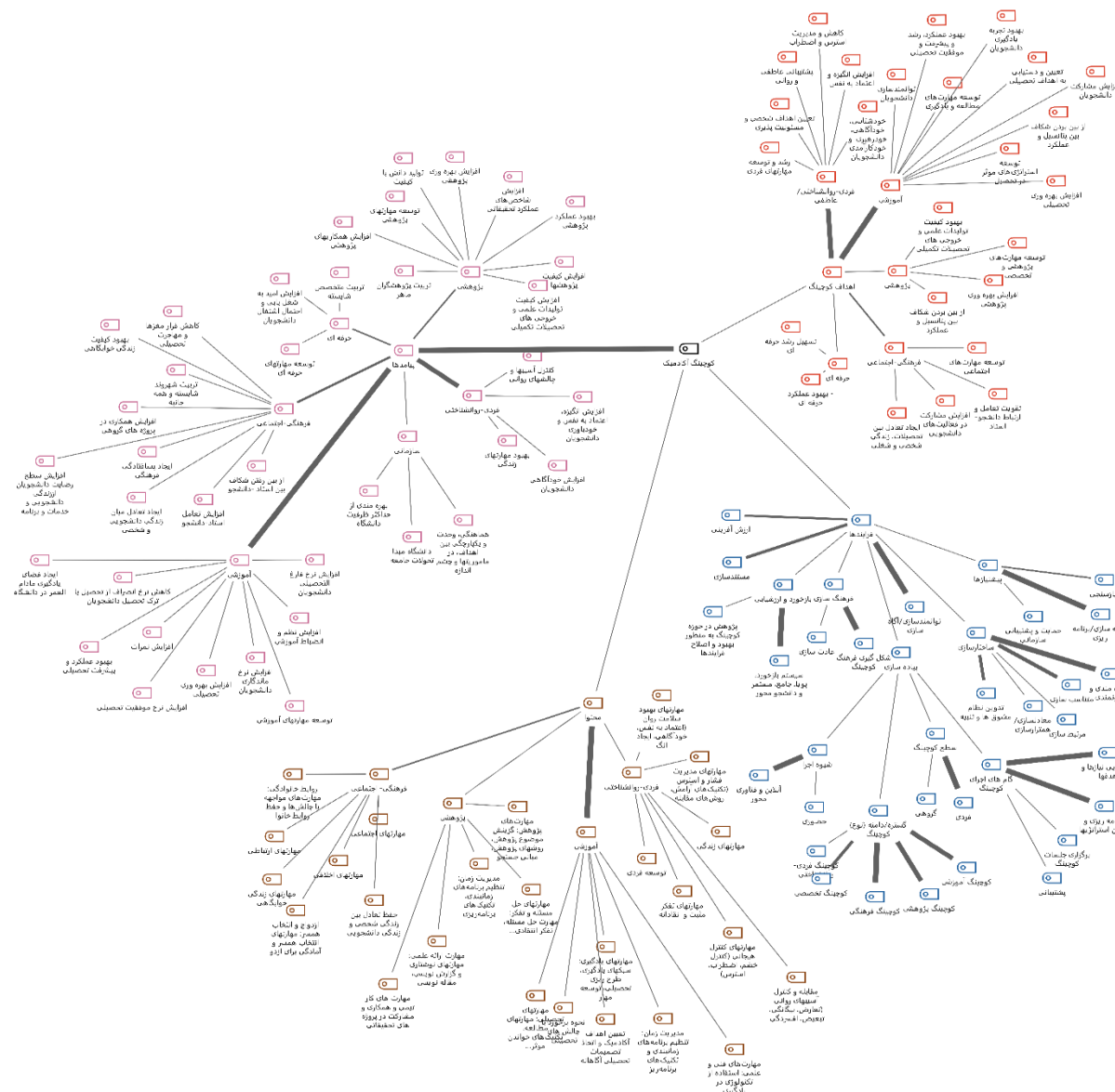
در فاز دوم پژوهش، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اساتید، مدیران دانشگاهی و دانشجویان تحلیل شد. در این فاز، ۱۸۴۹ واحد معنایی از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید که منجر به شناسایی ۲۲۶ کد باز شد. این کدها در قالب ۳۱ مؤلفه اصلی و ۱۹ زیرمؤلفه سازمان‌دهی شده و همچون فاز مرور سیستماتیک، در چارچوب ۴ بعد اصلی الگوی کوچینگ آکادمیک قرار گرفتند. در مجموع، ۱۹۵ شاخص مفهومی از داده‌های میدانی استخراج شد که بیانگر عمق و غنای تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان است.

یافته‌ها نشان داد که اگرچه ساختار کلی الگو با ادبیات جهانی هم‌راستاست، اما در بافت آموزش عالی ایران، تأکیدها متفاوت و عمیق‌تر است. در بعد **اهداف کوچینگ**، مشارکت‌کنندگان بیش از هر چیز بر حمایت عاطفی و روانی دانشجویان، کاهش استرس و اضطراب تحصیلی، افزایش انگیزش، اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیری تأکید داشتند. از دیدگاه دانشجویان، کوچینگ آکادمیک ابزاری برای پر کردن شکاف میان توان بالقوه و عملکرد واقعی تلقی می‌شود.

در بعد **محتوای کوچینگ**، نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی دانشجویی، مدیریت فشارهای روانی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تحصیلی و پژوهشی و همچنین مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی به‌طور پررنگ مطرح شد. برخلاف رویکردهای صرفاً آموزشی، داده‌های مصاحبه نشان دادند که محتوای کوچینگ باید با مسائل واقعی زندگی دانشجویی، از جمله خوابگاه، خانواده و آینده شغلی، پیوند یابد.

در بعد **فرآیند و پیاده‌سازی**، اساتید و مدیران بر ضرورت ایجاد ساختارهای رسمی، آیین‌نامه‌های مشخص، نظام‌های انگیزشی، فرهنگ‌سازی سازمانی و حمایت مدیریتی تأکید کردند. کوچینگ آکادمیک در این فاز به‌عنوان فعالیتی مکمل آموزش رسمی و نیازمند هماهنگی با برنامه درسی دانشگاه تلقی شد.

در بعد **کارکردها و پیامدها**، مشارکت‌کنندگان به پیامدهایی فراتر از موفقیت تحصیلی اشاره کردند؛ از جمله افزایش احساس تعلق به دانشگاه، بهبود کیفیت زندگی دانشجویی، کاهش ترک تحصیل، تقویت سرمایه انسانی و حتی نقش دانشگاه در کاهش مهاجرت تحصیلی.



نمودار ۵. نمودار درختی ابعاد و مؤلفه‌های الگوی کوچینگ آکادمیک حاصل از تحلیل مصاحبه

ترکیب و ادغام یافته‌های مرور سیستماتیک و مصاحبه‌ها

در مرحله نهایی، یافته‌های حاصل از مرور سیستماتیک و مصاحبه‌ها با یکدیگر ترکیب و ادغام شد. این فرآیند منجر به تدوین یک الگوی بومی، تلفیقی و کاربردی کوچینگ آکادمیک برای نظام آموزش عالی ایران گردید. در نتیجه این ادغام، کدهای هم‌پوشان تلفیق و کدهای مکمل حفظ شدند و الگوی نهایی شامل ۲۳۴ شاخص مفهومی، ۲۴ مؤلفه اصلی و ۱۷ زیرمؤلفه در قالب ۴ بعد اصلی شکل گرفت.

جدول ۵. مفاهیم و مقولات استخراج شده از داده‌های کیفی مرور سیستماتیک و مصاحبه

شاخص (کد باز)	زیرمؤلفه (مقوله فرعی)	مؤلفه (مقوله اصلی)	ابعاد (کد محوری)
- بهبود مهارت‌های زندگی و ایجاد عادات زندگی سالم	فردی - روانشناختی / عاطفی		
- پشتیبانی و حمایت عاطفی و روانی از دانشجویان			
- بهبود مهارت‌های روانشناختی (انگیزش، اعتماد به نفس، مدیریت استرس و ...)			
- بهزیستی روانشناختی			
- رشد و توسعه مهارت‌های فردی، استعدادیابی و شناسایی مهارت‌ها، نقاط قوت و پتانسیل‌های فرد			
- افزایش انگیزه، اعتماد به نفس دانشجویان			
- افزایش خودشناسی، خودآگاهی، خودرهبری و خودکارآمدی دانشجویان			
- تعیین اهداف شخصی و مسئولیت‌پذیری			
- پشتیبانی گذار به دوره بعدی تحصیلی			
- افزایش ماندگاری			
- افزایش دسترسی به آموزش	آموزشی		اهداف کوچینگ
- شناسایی نقاط قوت و ضعف آموزشی دانشجویان			
- هدف‌گذاری؛ برنامه ریزی و توسعه آموزشی			
- بهبود مهارت‌های آموزشی (مهارت‌های مطالعه، آزمون و ...)			
- پرورش مهارت‌های شناختی و فراشناختی (تفکر خلاق، حل مساله، سازماندهی و برنامه‌ریزی و ...)			
- بهبود عملکرد تحصیلی و موفقیت تحصیلی			
- توانمندسازی دانشجویان			
- افزایش مشارکت دانشجویان			
- بهبود تجربه یادگیری دانشجویان			
- افزایش بهره‌وری تحصیلی			
- از بین بردن شکاف بین پتانسیل و عملکرد	پژوهشی		
- توسعه مهارت‌های پژوهشی و تخصصی دانشجویان			
- بهبود عملکرد پژوهشی			
- افزایش بهره‌وری پژوهشی			
- بهبود کیفیت تولیدات علمی و خروجی‌های تحصیلات تکمیلی			
- از بین بردن شکاف بین پتانسیل و عملکرد			
- ایجاد تعادل بین تحصیلات، زندگی شخصی و شغلی			
- افزایش مشارکت در فعالیت‌های دانشجویی			
- توسعه مهارت‌های اجتماعی			
- تقویت تعامل و ارتباط دانشجو-استاد			

حرفه‌ای		- برنامه‌ریزی شغلی	
		- تسهیل رشد و توسعه حرفه‌ای	
		- بهبود عملکرد حرفه‌ای	
فردی - روانشناختی		- رشد و توسعه فردی	
		- مهارت‌های زندگی	
		- مهارت‌های کنترل هیجانی (کنترل خشم، اضطراب، استرس)	
		- مهارت‌های مدیریت فشار و استرس (تکنیک‌های آرامش، روش‌های مقابله با فشارهای تحصیلی و ..)	
		- مقابله و کنترل آسیب‌های روانی (تعارض، بیگانگی، تبعیض، افسردگی، اهمالکاری و ...)	
		- مهارت‌های بهبود سلامت روان (اعتماد به نفس، خودآگاهی، خودتنظیمی، خودکارآمدی، خودمراقبتی، ایجاد انگیزه، حمایت روان‌شناختی و بهبود سرمایه‌های روانشناختی، ایجاد شغف و اشتیاق)	
		- مهارت‌های تفکر مثبت و نقادانه	
		- هدف‌گذاری و اتخاذ تصمیمات تحصیلی آگاهانه: تعیین اهداف آکادمیک، انتخاب رشته، انتخاب واحد و ...	
		- مهارت‌های تحصیلی: مهارت‌های مطالعه، تکنیک‌های خواندن مؤثر، یادداشت‌برداری منظم، تکنیک‌های حفظ و بازخوانی اطلاعات، و تکنیک‌های خلاصه‌سازی و تفسیر مطالب، مهارت‌های نوشتاری، مهارت حل مسئله، مهارت ارائه علمی، اندیشیدن و فکر کردن	
		- مدیریت زمان: تنظیم برنامه‌های زمانبندی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی	
محتوای کوچینگ	آموزشی	- مهارت‌های یادگیری: سبک‌های یادگیری، طرح ریزی تحصیلی، توسعه مهارت یادگیری عمیق/ یادگیری فعال	
		- مهارت‌های فنی و علمی: استفاده از تکنولوژی در یادگیری نحوه برخورد با چالش‌های تحصیلی	
		- توسعه مهارت‌های پژوهش و پژوهشگری: گزینش موضوع پژوهش، روش‌های پژوهش، مبانی جستجوگری، روش‌های تحلیل داده‌ها، جستجوی منابع آشنایی با پایگاه‌ها و سایت‌های علمی، بکارگیری نرم‌افزارهای تحلیل و پژوهش تخصصی، یادداشت‌برداری: نمودارهای مفهومی، خلاصه‌سازی مطالب و نقشه‌های ذهنی	
		- مهارت ارائه علمی: مهارت‌های نوشتاری و گزارش نویسی، مقاله‌نویسی، پروپزال‌نویسی و نگارش گزارش طرح و ارائه شفاهی	

			- مهارت‌های حل مسئله و تفکر: مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی، بکارگیری دیدگاه‌های متنوع و تعامل با منابع مختلف، پرسش‌های پیچیده و تحلیلی - مدیریت زمان: تنظیم برنامه‌های زمانبندی، تکنیک‌های برنامه‌ریزی - مهارت‌های کار تیمی و همکاری و مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی
			- حفظ تعادل بین زندگی شخصی و زندگی دانشجویی - مهارت‌های ارتباطی - ازدواج و انتخاب همسر: مهارت‌های انتخاب همسر و آمادگی برای ازدواج - روابط خانوادگی: مهارت‌های مواجهه با چالش‌ها و حفظ روابط خانوادگی، ارتقاء ارتباط با خانواده - مهارت‌های اخلاقی - مهارت‌های زندگی خوابگاهی - مهارت‌های اجتماعی
فرهنگی - اجتماعی			- توسعه مهارت‌های حرفه‌ای: انتخاب شغل، فرآیند جذب و استخدام
			- ایجاد ساختارهای حمایتی - گوش به زنگی اساتید و مدیران دانشگاه: شنیدن مشکلات و مسائل دانشجویان - همدلی و همکاری با دانشجویان - حمایت و تعهد مدیریت دانشگاه به اجرای برنامه‌های حمایتی مانند کوچینگ آکادمیک - آگاهی و درک مدیران و اعضای هیأت علمی از ضرورت و اهمیت برنامه‌های حمایتی
		حمایت و پشتیبانی سازمانی	
			- شناسایی نیازها، اهداف و توقعات دانشجویان - تحلیل نیازها و توانمندی‌های دانشجویان بر اساس نقاط قوت و ضعف تحصیلی، مهارت تحقیقاتی، و اهداف حرفه‌ای - برنامه‌ریزی مبتنی بر ویژگی‌های فردی دانشجویان: علاقمندی‌ها، نقاط قوت و ضعف، و ویژگی‌های شخصی - توسعه خدمات حمایتی مبتنی بر نیازهای دانشجویان
فرآیند کوچینگ	پیش نیازها		- هدف‌گذاری: اهداف مشخص و قابل دستیابی - تدوین برنامه مدون مبتنی بر نوع و هدف کوچینگ - فراهم نمودن امکانات، شرایط، ساختارها و زیرساخت‌ها - تخصیص بودجه و منابع لازم - سازماندهی فرآیند کوچینگ
		نیازسنجی	- زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی

		-	بکارگیری استعدادهای پراکنده در دانشگاه
		-	بهره‌وری از منابع بلااستفاده
		-	ایجاد ساختار رسمی کوچینگ در وزارت علوم
		-	افزودن کوچینگ به آیین‌نامه‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهش و اجرایی
		-	تدوین دستورالعمل کوچینگ شامل اهداف، نقش وظیفه‌ای هر فرد در فرآیند کوچینگ، و روش اندازه‌گیری پیشرفت و ...
		-	افزودن کوچینگ در ساختارهای دانشگاهی (ساختار فرهنگی، مدیریتی، رویه ای و ..)
		-	در نظر گرفتن کوچینگ در اهداف، چشم اندازها، ماموریت، استراتژی‌ها و رویه‌های دانشگاه
		-	تدوین اصول و قواعد پویا و یکپارچه
		-	تغییر در مقررات و سیاست‌های دانشگاهی
		-	ایجاد یک چارچوب مشترک (مدیران و اعضای هیأت علمی) برای درک کوچینگ
		-	مرتبط‌سازی آیین‌نامه‌های کوچینگ با سایر آیین‌نامه‌ها (آموزشی، فرهنگی، پژوهشی)
		-	پیشبرد همزمان کوچینگ رسمی و غیررسمی در دانشگاه
		-	ایجاد ارتباط بین واحدهای مختلف حمایت دانشجویی (مشاوره، انجمن‌ها، معاونت فرهنگی و ...)
		-	هماهنگی برنامه کوچینگ با برنامه درسی
		-	کوچینگ به عنوان عنصر تکمیلی آموزش
		-	ترکیب کوچینگ با روش‌های آموزشی و حمایتی
		-	متناسب‌سازی امتیازهای کوچینگ با سایر امتیازها (آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی)
		-	معادل‌سازی و همترازسازی امتیازهای اجرای کوچینگ با سایر فعالیت‌ها (آموزشی، پژوهشی، فرهنگی)
		-	معادل‌سازی امتیاز فعالیت‌های کوچینگ در آیین‌نامه‌های ارتقاء اعضای هیأت علمی
		-	تدوین نظام مشوق‌ها و تنبیه‌ها پیشرفته، پویا، یکپارچه و چندبعدی مبتنی بر فعالیت‌های کوچینگ
		-	رصد و تشویق اعضای هیأت علمی فعال در حوزه کوچینگ
		-	تخصیص هدفمند امتیازها
		-	ایجاد تنوع در مشوق‌ها
		-	تشویق و ترغیب اعضای هیأت علمی به مشارکت در فعالیت‌های کوچینگ
		-	تدوین نظام مشوق‌ها و تنبیه‌ها
		-	قاعده‌مندی و قانونمندی
		-	مرتبط‌سازی
		-	متناسب‌سازی
		-	همترازسازی/معادل‌سازی
		-	ساختارسازی

توانمندسازی	-	آموزش و آگاهی بخشی برای افزایش پذیرش کوچینگ
	-	برگزاری کارگاه های آموزشی مداوم برای مدیران و اعضای هیأت علمی
	-	به روزرسانی دانش اساتید و مدیران
	-	آموزش مهارت های نوین کوچینگ آکادمیک، تکنیک های مشاوره، مهارت های ارتباطی، مدیریت زمان و هدف، و تکنیک های ارزیابی
	-	آموزش حساسیت فرهنگی
شکل گیری فرهنگ کوچینگ	-	فرهنگ سازی بین اساتید و دانشجویان
	-	پویایی فرهنگی کوچینگ
	-	تقویت ساختار غیر رسمی کوچینگ با حمایت مجمع خیرین دانشگاه و نهادهای مشابه
	-	آموزش و آگاه سازی درباره کوچینگ
	-	ایجاد فرهنگ سازمانی حامی کوچینگ
	-	تقویت فرهنگ حمایت، همکاری و مشارکت
	-	بکارگیری زیرساخت های فرهنگی برای حمایت از کوچینگ
	-	تحکیم فرهنگ حمایت و همکاری
	-	ایجاد فرصت های ارتباط مستمر با اعضای هیأت علمی و مدیران،
	-	برگزاری گفتگوهای باز و گروهی، و برگزاری جلسات اطلاع رسانی و بحث و تبادل نظر
عادت سازی	-	تقویت روحیه تیمی و حمایت از فعالیت های گروهی
	-	افزایش مشارکت اعضای هیأت علمی و دانشجویان در کوچینگ
	-	ترویج تدریجی فرهنگ کوچینگ در دانشگاه
	-	نهادینه کردن ارزش ها و مزایای کوچینگ در باور اعضای هیأت علمی و دانشجویان
	-	توجه به تنوع و حساسیت فرهنگی
پیاده سازی	-	کوچینگ فردی-روانشناختی
	-	کوچینگ آموزشی
	-	کوچینگ پژوهشی
	-	کوچینگ فرهنگی-اجتماعی
	-	کوچینگ تخصصی-حرفه ای
	-	فردی
سطح کوچینگ	-	گستره یا دامنه ی کوچینگ
	-	گروهی
	-	حضور
شیوه اجرای کوچینگ	-	فردی
	-	گروهی

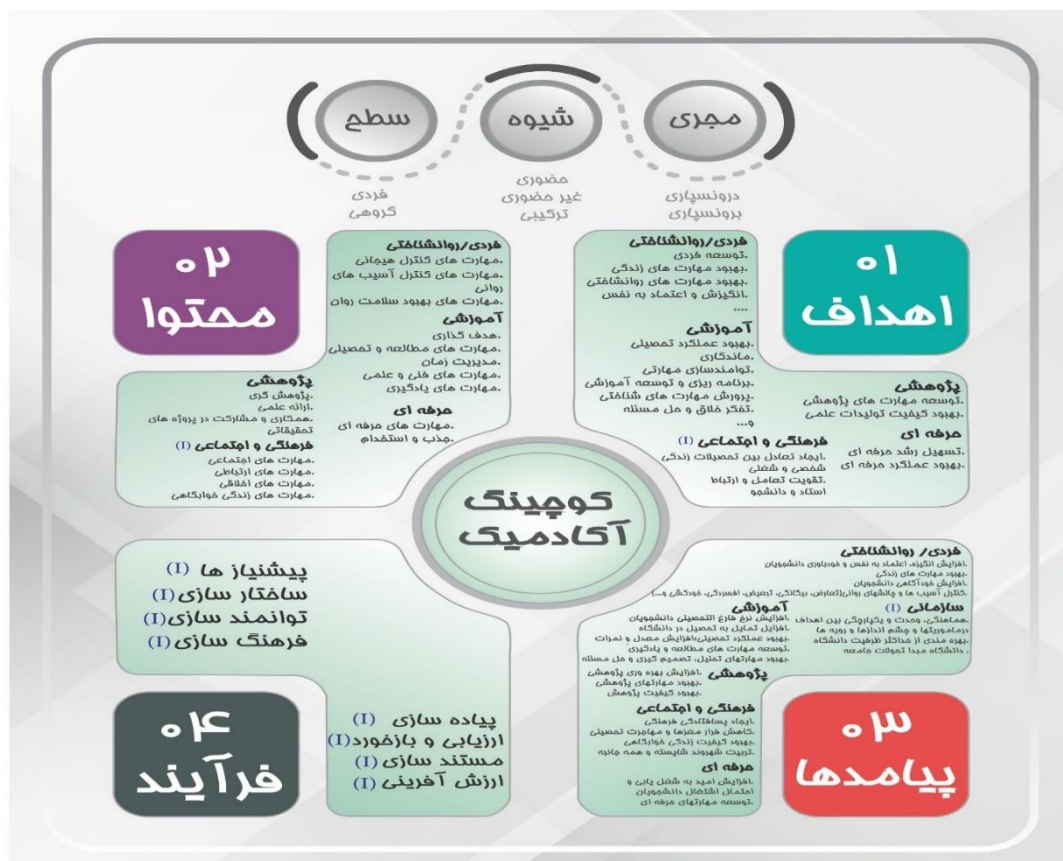
غیرحضوری (فناوری محور): آنلاین، تلفنی، استفاده از اپ و نرم افزارها و...		
ترکیبی		
برون سپاری به مراکز کوچینگ	-	مجری کوچینگ
درون دانشگاه - دپارتمان کوچینگ		
شناسایی نیازها و هدف های دانشجویان		
برنامه ریزی و تعیین استراتژی ها	-	گام های اجرای کوچینگ
برگزاری جلسات دوره ای کوچینگ		
پیگیری و پشتیبانی		
سیستم مانیتورینگ پیشرفت پویا		
ارزیابی پیشرفت ها و نتایج و ارائه بازخورد سازنده	-	سیستم ارزیابی و بازخورد پویا، جامع، یکپارچه، مستمر و دانشجو محور
ارزیابی رضایتمندی دانشجویان		ارزیابی و بازخورد
سیستم ارزشیابی موقعیتی، چندبعدی، عملکردی، غیرمستقیم و مبتنی بر رضایت مخاطب		
پایش عملکرد فارغ التحصیلان		
اندازه گیری اثرات کوچینگ		
پژوهش در حوزه کوچینگ به منظور بهبود و اصلاح فرآیندها، روش ها و استراتژی های کوچینگ	-	بهبود و اصلاح فرآیندهای کوچینگ
مطالعه موردی برنامه های موفق کوچینگ		
مستندسازی کردن تجربیات موفق		
ذخیره فایل های الکترونیکی و مستندات تجربیات موفق به منظور انتقال دانش ضمنی		مستندسازی
به اشتراک گذاشتن نمونه های موفق کوچینگ		
بهره برداری از تجارب دیگران		
کوچینگ به مثابه ارزش سازمانی		
قدرشناسی از خدمتگزاران		
ارزش های حرفه ای کوچینگ		ارزش آفرینی
هنر خدمتگزاری در جامعه		
تأمین تعهد اخلاقی و انسانی		
انسان سازی		
افزایش تمرکز دانشجویان		
جرات مندی و افزایش انگیزه، اعتماد به نفس و خودباوری، خودتکایی دانشجویان		
شناسایی و توسعه توانمندی ها و نقاط قوت دانشجویان		
بهبود کیفیت زندگی دانشجویی	-	فردی - پیامدهای کوچینگ
افزایش تاب آوری در دانشجویان		روانشناختی
افزایش رضایت دانشجویان		
تأمین امنیت روانی دانشجو		
بهبود مهارت های زندگی		

	- بهبود مهارت‌های خودتعیینی، خودکارآمدی، خودتنظیمی (خودآرزیابی و خودنظارتی) - خودآگاهی؛ خودکارآمدی، مسئولیت پذیری دانشجویان - کنترل آسیب‌ها و چالش‌های روانی (اضطراب، استرس، فشار تحصیلی، تعارض، بیگانگی، تبعیض، افسردگی، خودکشی و ...) - ایجاد تعادل بین زندگی شخصی و زندگی دانشجویی
آموزشی	- افزایش آمادگی تحصیلی - افزایش نرخ ماندگاری دانشجویان - افزایش نرخ فارغ‌التحصیلی دانشجویان - افزایش انگیزه و انگیزه تحصیلی - افزایش تمایل به تحصیل در دانشگاه - بهبود عملکرد تحصیلی: افزایش معدل و نمرات - افزایش مشارکت دانشجویان در فرآیند تحصیل - بهبود مهارت‌های شناختی و فراشناختی - بهبود عملکرد و پیشرفت تحصیلی - کاهش نرخ انصراف از تحصیل یا ترک تحصیل دانشجویان - ایجاد فضای یادگیری مادام‌العمر در دانشگاه - افزایش نرخ موفقیت تحصیلی - افزایش بهره‌وری تحصیلی - توسعه مهارت‌های آموزشی: مطالعه و یادگیری، آزمون، تصمیم‌گیری و حل مسئله؛ ... - افزایش نظم و انضباط آموزشی - هدفمندی و برنامه‌ریزی تحصیلی - موفقیت تحصیلی دانشجویان
پژوهشی	- افزایش بهره‌وری پژوهشی دانشجویان - بهبود عملکرد و مهارت‌های پژوهشی - افزایش کیفیت تولیدات علمی - افزایش کیفیت فارغ‌التحصیلان و خروجی‌های تحصیلات تکمیلی - افزایش کیفیت تولیدات علمی و خروجی‌های تحصیلات تکمیلی - تربیت پژوهشگران ماهر - تولید دانش با کیفیت - افزایش شاخص‌های عملکرد تحقیقاتی - افزایش همکاری‌های پژوهشی
فرهنگی- اجتماعی	- افزایش احساس تعلق به دانشگاه - ایجاد تنوع در نیروی انسانی متخصص - بهزیستی اجتماعی - بهبود عملکرد و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی - ارتقا مهارت‌های زندگی - رضایت از کیفیت زندگی دانشجویی - افزایش تعامل استاد-دانشجو

	- ایجاد تعادل میان زندگی دانشجویی و شخصی
	- افزایش همکاری در پروژه‌های گروهی
	- ایجاد پساافتادگی فرهنگی
	- کاهش فرار مغزها و مهاجرت تحصیلی
	- بهبود کیفیت زندگی خوابگاهی
	- تربیت شهروند شایسته و همه جانبه
حرفه‌ای	- افزایش امید به شغل‌یابی و قابلیت اشتغال دانشجویان
	- توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی
	- تربیت متخصص شایسته
	- فراهم کردن فرصت‌های شغلی
	- حرکت در مسیر حرفه‌ای درست
سازمانی	- هماهنگی، وحدت و یکپارچگی بین اهداف، در ماموریت‌ها و چشم اندازها و رویه‌ها
	- بهره‌مندی از حداکثر ظرفیت دانشگاه
	- دانشگاه مبدا تحولات جامعه

نتایج ترکیبی نشان می‌دهد که الگوی نهایی کوچینگ آکادمیک بر ابعاد اهداف، محتوا، فرآیند و پیامدها استوار است، اما ویژگی متمایز آن، توجه هم‌زمان به رشد فردی-روانشناختی دانشجوی، الزامات نهادی دانشگاه و کارکردهای اجتماعی آموزش عالی است. این الگو نه تنها از پشتوانه نظری قوی برخوردار است، بلکه با واقعیت‌های اجرایی دانشگاه‌های ایران نیز سازگاری دارد. الگوی ترکیبی کوچینگ آکادمیک، کوچینگ را

به عنوان یک راهبرد نظام‌مند حمایت دانشجویی تعریف می‌کند که می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت آموزش عالی، افزایش موفقیت تحصیلی و توسعه سرمایه انسانی در ایران ایفا کند.



نمودار ۶. الگوی بومی کوچینگ آکادمیک

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تبیین یک الگوی بومی کوچینگ آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران انجام شد و یافته‌های حاصل از تلفیق مرور نظام‌مند ادبیات و داده‌های میدانی نشان داد که اگرچه چارچوب کلی کوچینگ آکادمیک در ادبیات بین‌المللی اغلب در قالب چهار بعد اهداف، محتوا، فرایند و پیامدها مفهوم‌پردازی می‌شود، اما نحوه تعریف، اولویت‌بندی و کارکرد این ابعاد در بافت آموزش عالی ایران ماهیتی به‌طور معنادار زمینه‌مند دارد. این زمینه‌مندی موجب می‌شود کوچینگ آکادمیک در ایران صرفاً به‌عنوان ابزاری برای ارتقای عملکرد تحصیلی تلقی نشود، بلکه به‌مثابه یک راهبرد جامع حمایت دانشجویی در نظر گرفته شود که هم‌زمان به نیازهای روان‌شناختی، تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای دانشجویان پاسخ می‌دهد. چنین برداشتی با دیدگاه‌هایی هم‌سو است که کوچینگ آکادمیک را حوزه‌ای نوظهور و متمایز از نقش‌های سنتی مشاوره تحصیلی و تدریس خصوصی می‌دانند و بر ماهیت توسعه‌ای و آینده‌نگر آن تأکید دارند (Robinson, 2015; Sepulveda & Birnbaum, 2022).

در بعد اهداف، یافته‌های پژوهش نشان داد که کوچینگ آکادمیک در بافت آموزش عالی ایران واجد کارکردی فراتر از موفقیت تحصیلی به معنای محدود آن است. در حالی که بخش قابل توجهی از ادبیات بین‌المللی بر اثرگذاری کوچینگ بر شاخص‌هایی نظیر پیشرفت تحصیلی، تکمیل واحدها و ماندگاری دانشجو تمرکز دارد (Betinger & Baker, 2014; Alzen et al., 2021)، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در ایران اهداف فردی-روان‌شناختی نظیر کاهش اضطراب تحصیلی، افزایش انگیزش، تقویت خودکارآمدی و ایجاد احساس امنیت روانی جایگاهی محوری در معنا بخشی به کوچینگ آکادمیک پیدا می‌کند. این جابه‌جایی در مرکز ثقل اهداف را می‌توان در پرتو شرایط ساختاری و فرهنگی

آموزش عالی ایران تبیین کرد؛ شرایطی که در آن دانشجویان هم‌زمان با فشارهای تحصیلی، ابهام‌های جدی در آینده شغلی و محدودیت نظام‌مند خدمات حمایتی مواجه‌اند. از این منظر، کوچینگ آکادمیک به‌مثابه مداخله‌ای گفت‌وگومحور و توسعه‌ای، ابتدا زمینه تنظیم هیجانی و بازسازی انگیزش را فراهم می‌کند و سپس امکان حرکت مؤثرتر به سوی اهداف تحصیلی و حرفه‌ای را ایجاد می‌نماید. این تفسیر با شواهدی هم‌راستا است که نشان می‌دهد کوچینگ می‌تواند به‌طور هم‌زمان رفاه روانی و دستیابی به اهداف را تقویت کرده و به‌عنوان مکمل آموزش رسمی عمل کند (Atad & Grant, 2021; Lee, 2018).

تحلیل بعد محتوا نشان داد که الگوی بومی کوچینگ آکادمیک در آموزش عالی ایران ناگزیر از عبور از تمرکز صرف بر مهارت‌های کلاسیک تحصیلی نظیر مدیریت زمان و راهبردهای مطالعه است. هرچند این مهارت‌ها همچنان به‌عنوان عناصر بنیادین کوچینگ مورد تأیید قرار گرفتند (Barkley, 2010)، اما یافته‌ها حاکی از آن است که ذی‌نفعان انتظار دارند محتوای کوچینگ با زیست‌جهان واقعی دانشجو پیوند یابد؛ به‌گونه‌ای که موضوعاتی مانند مدیریت فشارهای روانی، مهارت‌های ارتباطی، تعادل زندگی-تحصیل، تعاملات خانوادگی و چشم‌اندازهای شغلی نیز در دستور کار قرار گیرد. این نتیجه نشان می‌دهد که تقلیل محتوای کوچینگ به مجموعه‌ای از تکنیک‌های مطالعه، در بافت آموزش عالی ایران می‌تواند به کاهش ادراک اثربخشی و مشارکت دانشجویان منجر شود. از منظر نظری، محتوای چنددانه‌ای الگوی پیشنهادی، کوچینگ آکادمیک را به‌عنوان مداخله‌ای جامع برای رشد تحصیلی و حرفه‌ای صورت‌بندی می‌کند و با مدل‌هایی هم‌خوان است که کوچینگ را ابزاری برای توسعه یکپارچه توانمندی‌های فردی، تحصیلی و شغلی می‌دانند.

در بعد فرایند، یافته‌های پژوهش یکی از نقاط تمایز اساسی الگوی بومی را آشکار می‌سازد. در حالی که بخش عمده‌ای از ادبیات، کیفیت رابطه کوچ-دانشجو و استمرار تعامل را سازوکار اصلی موفقیت کوچینگ معرفی می‌کند (Anderson, 2017)، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در نظام آموزش عالی ایران، سطح نهادی فرایند نقش تعیین‌کننده دارد. به بیان دیگر، حتی اگر تعامل فردی کوچ و دانشجو از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد، فقدان ساختار رسمی، نظام انگیزشی، هم‌ترازسازی آیین‌نامه‌ای و سازوکارهای ارزیابی می‌تواند کوچینگ را به فعالیتی حاشیه‌ای و ناپایدار تبدیل کند. این یافته با پژوهش‌هایی هم‌سو است که موانع نهادی، مقاومت سازمانی و کمبود حمایت مدیریتی را از چالش‌های اصلی اجرای کوچینگ آکادمیک می‌دانند (Howlett et al., 2022; Robinson, 2015; Sepulveda, 2020). از این منظر، الگوی بومی حاضر با در نظر گرفتن فرایند در دو سطح تعاملی و نهادی، امکان نهادینه‌سازی کوچینگ آکادمیک را به‌عنوان یک سیاست دانشگاهی فراهم می‌آورد و آن را از سطح ابتکارات فردی به سطح برنامه‌های رسمی حمایت دانشجویی ارتقا می‌دهد.

در بعد پیامدها، نتایج پژوهش نشان داد که پیامدهای کوچینگ آکادمیک در ایران ماهیتی چندسطحی دارند و نباید به شاخص‌های آموزشی سخت محدود شوند. اگرچه بهبود عملکرد تحصیلی و ماندگاری دانشجویان همچنان از پیامدهای مورد انتظار کوچینگ محسوب می‌شوند (Bettinger & Baker, 2014; Alzen et al., 2021)، اما یافته‌ها بر پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و حرفه‌ای نیز تأکید دارند؛ از جمله افزایش تاب‌آوری، تقویت احساس تعلق به دانشگاه، بهبود تعاملات آموزشی و ارتقای آمادگی شغلی. این چندسطحی شدن پیامدها را می‌توان بازتابی از زمینه‌ای دانست که در آن دانشجو برای موفقیت تحصیلی ناگزیر از مواجهه هم‌زمان با چالش‌های فردی و اجتماعی است. افزون بر این، برخی شواهد نشان می‌دهد که حتی در مواردی که اثرات آموزشی مستقیم کوچینگ محدود است، پیامدهای غیرآکادمیک آن می‌تواند ارزشمند و معنادار باشد. بنابراین، الگوی بومی پیشنهاد می‌کند ارزیابی اثربخشی کوچینگ آکادمیک در ایران با رویکردی ترکیبی و چندبعدی صورت گیرد.

از منظر نظری، الگوی ارائه‌شده در این پژوهش به توسعه ادبیات کوچینگ آکادمیک از طریق برجسته‌سازی نقش زمینه‌های فرهنگی و نهادی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که مدل‌های وارداتی بدون بومی‌سازی نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی آموزش عالی ایران باشند. این پژوهش با تبیین پیوند میان اهداف روان‌شناختی، فرایندهای حمایتی و پیامدهای تحصیلی، امکان صورت‌بندی مسیرهای تبیینی دقیق‌تری را برای مطالعات آینده فراهم می‌سازد و کوچینگ آکادمیک را به‌عنوان مداخله‌ای توسعه‌ای-حمایتی بازتعریف می‌کند.

از منظر سیاستی و مدیریتی، یافته‌ها بر ضرورت رسمیت‌بخشی به کوچینگ آکادمیک در سطح دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی تأکید دارد. ایجاد ساختارهای سازمانی مشخص، تعریف نقش‌ها و حدود مسئولیت‌ها، هم‌ترازسازی فعالیت‌های کوچینگ با نظام‌های ارزیابی و ارتقای حرفه‌ای و طراحی نظام‌های پایش چندبعدی از جمله الزامات تحقق اثربخش این رویکرد است. بدون چنین زیرساخت‌هایی، کوچینگ آکادمیک در معرض تقلیل به فعالیتی فردمحور و ناپایدار قرار خواهد گرفت.

از منظر اجرایی، الگوی پیشنهادی نشان می‌دهد که طراحی برنامه‌های کوچینگ آکادمیک باید مبتنی بر تنوع نیازهای دانشجویان و انعطاف‌پذیری محتوایی و فرایندی باشد. استفاده از رویکردهای ترکیبی حضوری-مجازی، طراحی بسته‌های محتوایی مازولار و توجه هم‌زمان به اهداف تحصیلی، روان‌شناختی و حرفه‌ای می‌تواند اثربخشی برنامه‌ها را افزایش دهد. در نهایت، از منظر پژوهشی، نتایج این مطالعه ضرورت انجام پژوهش‌های کمی، مداخله‌ای و طولی را برای آزمون روابط پیشنهادی میان ابعاد مدل و سنجش اثربخشی آن در بافت‌های دانشگاهی متنوع برجسته می‌سازد.

الگوی بومی کوچینگ آکادمیک پیشنهادی، با تکیه بر تحلیل عمیق شواهد نظری و تجربی، چارچوبی منسجم و زمینه‌مند برای بازانديشی در نظام حمایت دانشجویی آموزش عالی ایران فراهم می‌آورد. این الگو با تلفیق اهداف روان‌شناختی، تحصیلی و حرفه‌ای، محتوای چنددانه‌ای متصل به زیست‌جهان دانشجو، فرایندهای تعاملی و نهادی، و پیامدهای چندسطحی، امکان‌گذار از مداخلات پراکنده و فردمحور به برنامه‌ای نظام‌مند و پایدار را فراهم می‌سازد. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران آموزش عالی، کوچینگ آکادمیک را نه به‌عنوان فعالیتی جانبی، بلکه به‌مثابه یک راهبرد راهبردی در ارتقای کیفیت تجربه دانشگاهی، افزایش ماندگاری دانشجویان و تقویت سرمایه انسانی در نظر گیرند و با ایجاد زیرساخت‌های نهادی، تربیت و توانمندسازی کوچ‌ها و طراحی نظام‌های ارزیابی چندبعدی، زمینه استقرار اثربخش این الگو را فراهم آورند. همچنین اجرای پایلوت‌های دانشگاهی و انجام پژوهش‌های مداخله‌ای و کمی می‌تواند به اعتبارسنجی بیشتر مدل و توسعه شواهد بومی در این حوزه منجر شود.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی خود را از معاونت پژوهش دانشگاه خوارزمی به‌دلیل فراهم‌سازی بسترها و حمایت‌های پژوهشی لازم در راستای پیشبرد این مطالعه ابراز می‌دارند. همچنین از اساتید محترم و دانشجویانی که با مشارکت مؤثر و ارائه دیدگاه‌ها و نظرات ارزشمند خود در مراحل مختلف پژوهش، به ارتقای کیفیت علمی و غنای محتوایی این تحقیق کمک نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

Somayeh Mahdi		https://orcid.org/0000-0003-3721-3256
Hassanreza Zeinabadi		https://orcid.org/0000-0001-7345-5012
Hamidreza Arasteh		https://orcid.org/0000-0002-9736-9271
Hosein Abbasian		https://orcid.org/0000-0001-8146-7849

Resources

- Adrian, C. (2017). *Graduate employability and higher education policy*. Higher Education Policy, 30(2), 165–182. <https://doi.org/10.1057/s41307-016-0030-2>
- Alizadeh R, Mazlom M. (2024). Analysis of Student Needs: Examining Priorities in the Cultural Vice-Chancellery Programs at the University of Guilan. *IHEJ*. 16 (3) :45-65. <http://ihej.ir/article-1-2071-fa.html>
- Alzen, J. L., Burkhardt, A., Diaz-Bilello, E., Elder, E., Sepulveda, A., Blankenheim, A., & Board, L. (2021). Academic coaching and its relationship to student performance, retention, and credit completion. *Innovative Higher Education*, 46(5), 539–563. <https://doi.org/10.1007/s10755-021-09554-w>
- Amini Z, Afrassiabi R, Esmaeilshad B.(2024). Components of Empowering medical universities in dealing with educational black holes. *IHEJ* 16 (3) :21-44. <http://ihej.ir/article-1-2083-fa.html>
- Anderson, E. M. (2011). *Academic advising and coaching: Student-centered approaches*. NACADA Journal, 31(1), 33–44. <https://doi.org/10.12930/0271-9517-31.1.33>

- Anderson, M. S. (2017). *Academic coaching: An investigation of the academic coaching relationship and its impact on student success* (Doctoral dissertation, University of Florida).
- Atad, O. I., & Grant, A. M. (2021). Evidence-based coaching as a supplement to traditional lectures: Impact on undergraduates' goal attainment and measures of mental well-being. *International Journal of Mentoring and Coaching in Education*, 10(3), 249–266. <https://doi.org/10.1108/IJMCE-05-2020-0024>
- Barkley, A. P. (2010). *Academic coaching for enhanced learning, higher levels of student responsibility, and greater retention*. <https://ageconsearch.umn.edu/record/61853/>
- Bettinger, E. P., & Baker, R. (2014). The effects of student coaching: An evaluation of a randomized experiment in student advising. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 36(1), 3–19. <https://doi.org/10.3102/0162373713500523>
- Campbell, A. L., & Mogashana, D. (2025). Assessing the effectiveness of academic coaching interventions for student success in higher education: A systematic review. *Innovations in Education and Teaching International*, 62(4), 1325-1347.
- Dingel, M., & Puntì, G. (2023). Building faculty-student relationships in higher education. *Mentoring & Tutoring: Partnership in Learning*, 31(1), 61-82.
- Grant, A. M. (2011). Developing coaching psychology. *International Coaching Psychology Review*, 6(1), 12–23.
- Habley, W. R., Bloom, J. L., & Robbins, S. (2012). *Increasing persistence: Research-based strategies for college student success*. Jossey-Bass.
- HEA (Higher Education Academy). (2015). *Framework for student engagement*. HEA Publications.
- Hosseini, M., Ghaderi, S., & Esfandiari, A. (2016). The role of student scientific associations in academic development. *Journal of Higher Education Studies*, 8(1), 77-102. [in Persian]
- Howlett, M., Parker, P., & Hibbert, P. (2022). Faculty perceptions of academic coaching: Barriers and enablers. *Journal of Education and Training Studies*, 10(2), 44–57.
- Hoyt, J. E. (2023). Student connections: The critical role of student affairs and academic support services in retention efforts. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*, 25(3), 480-491.
- Hussain, T. (2020). Coaching culture in higher education institutions. *Journal of Educational Administration*, 58(4), 403–419.
- Kivunja, C. (2016). Student support services in higher education. *International Journal of Higher Education*, 5(4), 1–10.
- Lee, J. Y. (2018). *Academic coaching and its relationship with student motivation and self-efficacy* (Doctoral dissertation, University of Illinois).
- Liberati, A., Altman, D. G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., ... & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate healthcare interventions: explanation and elaboration. *Bmj*, 339.
- Lim, M. S. M., Patel, N. S., & Shahdadi, R. (Eds.). (2024). *Coaching Students in Higher Education: A Solution-focused Approach to Retention, Performance and Wellbeing*. Taylor & Francis.
- Lovell, B. (2018). What do we know about coaching in higher education? *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 16(2), 183–197.
- Mahdi, S., & Zeinabadi, H. (2025, November 28). *A scoping review of the multidimensional outcomes of academic coaching in higher education* [Conference paper]. SRHE International Research Conference 2025, Online. <https://virtual.oxfordabstracts.com/event/74681/submission/397>
- Mahdi, S., Zeinabadi, H., Arasteh, H., & Abbasian, H. (2024). Navigating the landscape of academic coaching: A comprehensive bibliometric analysis. *International Journal of Mentoring and Coaching in Education*, 13(2), 158–177. <https://doi.org/10.1108/IJMCE-06-2023-0049>
- Mandouit, L., & Hattie, J. (2023). Revisiting “The Power of Feedback” from the perspective of the learner. *Learning and Instruction*, 84, 101718.
- Martinez, S. (2015). Academic coaching: A model for student success. *Journal of College Student Retention*, 17(1), 1–16.
- Mousavi, M., Riahi, F., & Kavousian, S. (2016). Evaluation of the performance of student counseling centers. *Journal of Educational Psychology*, 3(11), 55-74. [in Persian]
- Oreopoulos, P., & Petronijevic, U. (2018). Student coaching: Evidence from a randomized experiment. *Journal of Human Resources*, 53(3), 689–732. <https://doi.org/10.3368/jhr.53.3.0616-8001R1>
- Prevatt, F., & Yelland, S. (2015). An empirical evaluation of academic coaching. *Journal of College Student Retention*, 17(2), 181–199.
- Richman, L. S., Rosenfeld, L. B., & Bowen, G. L. (2014). Social support for academic success. *Educational Psychology Review*, 26(3), 1–20.

- Robinson, C. D. (2022). A framework for motivating teacher-student relationships. *Educational Psychology Review*, 34(4), 2061-2094.
- Robinson, C. E. (2015). Academic coaching: Insights from higher education. *NACADA Journal*, 35(1), 17–27.
- Robinson, C. E. (2015). *Academic/success coaching: A description of an emerging field in higher education* (Doctoral dissertation, University of South Carolina). <https://scholarcommons.sc.edu/etd/3148>
- Rodríguez Fuentes, A., Navarro Rincón, A., Carrillo López, M. J., & Isla Navarro, L. (2023). University coaching experience and academic performance. *Education Sciences*, 13(3), 248.
- Sepulveda, A. (2020). *Coaching college students to thrive: Exploring coaching practices in higher education* (Doctoral dissertation). <https://digscholarship.unco.edu/dissertations/688>
- Sepulveda, A., & Birnbaum, M. (2022). Perceptions, reality and semantics: Exploring perceptions of coaching and academic advising as distinct roles. *International Journal of Mentoring and Coaching in Education*. <https://doi.org/10.1108/IJMCE-10-2020-0063>
- Southern, S., Jones, M., & Thompson, L. (2022). Academic coaching and student well-being. *Studies in Higher Education*, 47(6), 1245–1260.
- Thomas, L., Kift, S., & Shah, M. (2021). Student retention and success in higher education. In *Student retention and success in higher education: Institutional change for the 21st century* (pp. 1-16). Cham: Springer International Publishing.
- Williams, A. (2024). Delivering Effective Student Feedback in Higher Education: An Evaluation of the Challenges and Best Practice. *International Journal of Research in Education and Science*, 10(2), 473-501.